

جلوه‌های نوآوری در شعر عدی بن زید عبادی

احمد پاشا زانوس^۱، نرجس رمضانخانی^۲

چکیده

عدی بن زید عبادی از شاعران مسیحی در عصر جاهلی است. وی نویسنده و سفیر دربار ساسانی بوده و از آغاز نوجوانی به هر دو زبان فارسی و عربی تسلط کامل داشت. شاعر در مضامین مشهور شعر جاهلی شعر نسروده است. مدح و رثا در دیوان او موجود نیست و فخر و هجا منحصر در چند بیت است. وی برای اولین بار، خمر را به عنوان فن مستقل به کار برده و در این زمینه، شاعرانی مثل اعشی و اخطل از او پیروی کرده‌اند و نیز در شعر قصصی و اعتذاریات بر دیگر شاعران جاهلی پیشی گرفته است. عدی بن زید به خاطر ابتکار در اغراض، شکل و درون مایه‌ی قصاید جاهلی، شاعری نوآور به شمار می‌آید؛ اشعار وی در بیشتر قصاید معانی جدید داشته و از تقلید فاصله دارد. در این مقاله سعی بر این است تا نوآوری شاعر در اغراض و شکل و معانی بررسی شود.

کلید واژه‌گان: عدی بن زید، نوآوری، شعر قصصی، اعتذاریات، خمر، حکمت.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/ ۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۶

۱. مقدمه

شعر جاهلی در دوران قبل از اسلام، به تدریج تکامل یافت و در طول ۱۵۰ سال قبل از اسلام به شکلی درآمد که ساختاری پیچیده با وزن‌های مشخص و با اسلوب یکسان داشت. شاعران جاهلی با تمام تفاوت‌هایی که در زبان و لغت و سرزمین داشتند، به یک زبان و لغت شعر سروده‌اند. عدی بن زید در چنین عصری زیست ولی چندان از روش شعری آنان پیروی نکرده است. او در سرودن شعرازه‌های سرزمین خود «حیره» استفاده نموده هرچند که در بعضی از اوصاف وی در اسب، واژه‌های سخت بادیه دیده می‌شود. اسلوب شعری وی نیز متفاوت از هم‌عصرانش است. عدی بن زید از جمله شاعران مبتکر و نوآور جاهلی محسوب می‌شود و این ابتکار و نوآوری در شعر و مضامین شعری او نمایان است.

عدی بن زید بن حماد بن زید بن ایوب بن مجروف، در حیره (۱) به دنیا آمد. کتاب‌های تراجم هیچ اختلافی در نسب و اسم او ندارند، ولی سال ولادت او را آشکارا بیان نکرده‌اند و آنچه آشکار است عدی بن زید با منذر و پسرش نعمان هم عصر بوده، بنابراین می‌توان گفت وی در نیمه‌ی دوم قرن ۶ می‌لادی می‌زیسته است. (شیخو، بی تا، ص ۴۴۱ و العباسی، ۱۹۴۷: ج ۱، ۳۱۵ و البکری، ۱۹۳۶: ۲۲۱)

نسبی که عدی به آن معروف است عبادی است. عبادی‌ها (۲) اقوام مسیحی بودند که در حیره زندگی می‌کردند. وی در خانواده‌ای با فرهنگ و اصیل رشد یافت و در دوره‌ی نوجوانی، پدر او را نزد استاد فرستاد تا زبان فارسی فراگیرد. هم‌زمان با اتمام تحصیل به دربار پادشاهان ساسانی راه یافت. امور نویسندگی و ترجمه دربار را به عهده گرفت و به سرعت به یکی از مقربان خسرو پرویز و هرمز درآمد. (الشطی، ۱۹۹۸: ۸۹-۹۵ و مسعودی، ۱۹۶۷: ج ۲، ص ۶۵)

وی با هند، دختر نعمان بن منذر، ازدواج کرد و خدمات زیادی برای نعمان به انجام رسانید که مهم‌ترین آن‌ها به تاج و تخت رساندن وی به عنوان حاکم حیره بود؛ هرچند که این کار باعث شد تا عدی بن مرینا، کینه‌ی او را به دل گیرد و در سال‌های بعد چنان در نزد نعمان بن منذر از او بدگویی کرد که نعمان او را به زندان فرستاد. وی در بند، به دستور وی کشته شد. (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۴۰۸-۴۱۳ و طبری، ۱۹۶۷: ج ۲، ۱۹۵ - ۲۰۰)

۲. جایگاه ادبی عدی بن زید

عدی بن زید از شاعران مضر و اهل شمال شبه جزیره است؛ بنابراین زبان و لغت شعری او مضری و شمالی است. (الصعیدی، ۱۹۳۴: ۹۴) زندگی در شهر حیره و دربار ساسانیان تاثیر زیادی در زبان شعری او گذاشته و به این، دلیل واژه‌های اعجمی و فارسی در شعر او دیده می‌شود؛ همان‌طور که ابن‌سلام جمحی در این‌باره گفته است «عدی بن زید در حیره و مراکز شهری زندگی کرده و این باعث شده تا زبان او نرم شود و اشعار زیادی به او نسبت داده شود» (ابن‌سلام، ۱۹۹۷: ۱۱۵) ابن‌سلام او را در گروه چهارم شعرا در کنار طرفه و عبید و علقمه قرار داده است. (همان) ابن‌قتیبه دینوری در کتاب خود بیان می‌دارد که «علما به شعر عدی بن زید، استشهاد نمی‌کنند؛ زیرا الفاظ او نجدی نیست» (ابن‌قتیبه، ۱۹۰۲: ۱۱۱) این روایت، جایگاه این شاعر را در عصر جاهلی آشکار می‌نماید؛ گویند: اصمعی از عمرو بن العلاء پرسید: «جایگاه عدی بن زید را در بیان شاعران چگونه می‌بینی؟ و او جواب داد: عدی بن زید مانند ستاره سهیل در میان ستاره‌ها است که شبیه آن‌ها است؛ ولی چون آن‌ها جلوه ندارد». (اصفهانی، ۱۹۹۴: ۳۹۳)

این روایت‌ها به این نکته اشاره دارد که عالمان و ادیبان ارزش والای شعرهای عدی را می‌دانسته‌اند و چیزی که باعث شده تا به آن تصریح نکنند، الفاظ نرم و آسان اوست که نتیجه‌ی محیط او یعنی حیره بوده است.

وی در آغاز جوانی به دلیل زندگی راحت و مرفهی که داشت به سمت شعر خمر و غزل رفته و در شعر خود به وصف شراب و محبوبه پرداخته است. این نوع اشعار عدی بن زید به دلیل سلیس و روان بودن در عصر جاهلیت، متداول بوده است. در تاریخ بروکلیمان آمده است که قبیله‌ی عباد ۱۵۰ سال بعد از مرگ عدی اشعار او را می‌خواندند. (بروکلیمان، ۱۹۹۳: ج ۱، ۱۰۴) موضوعات اشعار او در دوره‌ی میانسالی به سمت حکمت و پند و اندرز و در مورد فانی بودن دنیا و از دست رفتن جوانی بوده است و مخصوصاً زمانی که به دستور نعمان بن منذر زندانی می‌شود، در میان اعتذاریات خود به فانی بودن دنیا و جاودانی آخرت اشاره می‌کند. اشعار وی در تنوع بحر عروضی و موضوعات، ممتاز است. (شکری فرحات، بی تا: ۱۳۲)

قسمت عمده‌ی اشعار عدی، مربوط به دوره‌ی حبس اوست و بیشتر این اشعار معانی حزن انگیز و جدی دارد. اولین شعری که وی در زندان سرود، با این مطلع آغاز می‌شود:

لَيْسَ شَيْءٌ عَلَى الْمَنُونِ بِخَالٍ لَا عَدِيمٌ وَلَا مُثْمَرٌ مَالٍ
(المعبيد، ۱۹۶۵: ۵۶)

ترجمه‌ی بیت: هیچ‌کس را از مرگ گریزی نیست، نه انسان محروم و نه انسان دارا.

دیوان این شاعر در قرن سوم جمع‌آوری شد؛ اگرچه هنوز بسیاری از اشعار او در کتب ادبی و لغوی پراکنده است. دیوان جمع‌آوری شده؛ در دو نسخه وجود داشته است؛ نسخه‌ی ابن اعرابی و نسخه‌ی السکری. از جمله کتاب‌هایی که

اشعار عدی در آن ذکر شده است: کتاب الغفران، خزانه الادب، المعانی الکبیر، الخلیل، حماسه‌ی بحتری، جمهره اشعارالعرب، الحیوان است. (هاشمی، ۱۹۶۸: ۷۹-۹۰)

در دیوان عدی بن زید اشعاری منتحل دیده می‌شود؛ زیرا اشعار این شاعر از غرابت و پیچیدگی اشعار عصر جاهلی به دور بوده زبانی نرم و الفاظی آسان دارد و این مسئله باعث شده تا اندیشمندانی چون ابن سلام و طه حسین در درستی اشعار او شک کرده و معتقد باشند که بیشتر این شعرها بر وی منتحل شده و از سروده‌های وی نیست.

طه حسین در کتاب خود به این نکته اشاره می‌کند که «عصیبت دینی باعث شده تا یهودیان و مسیحی‌ها اشعار زیادی را به شاعران خود نسبت دهند، وی آسانی شعر عدی را دلیل بر این ادعا می‌داند و معتقد است این آسانی ناشی از اسلوب نصرانی‌ها است که این شعرها را سروده و به عدی بن زید نسبت داده اند». (حسین، بی تا، ۱۰۰)

عدی بن زید از شاعران نوآور عصر جاهلی بوده و این ابتکار در اغراض، شکل، معانی و الفاظ دیده می‌شود. به این دلیل، هر کدام از بخش‌های مذکور از لحاظ نوآوری مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳. نوآوری در اغراض

در ابتدا باید اشاره کرد که عدی بن زید در اغراض و درون‌مایه‌های معروف و رایج جاهلی مثل مدح و رثا و فخر و هجاء، شعر نسروده است. مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار این شاعر، اعتذار و موعظه و خمر است.

۳-۱. اعتذار و استعطاف: عدی بن زید در نهایت بی‌گناهی، اسیر زندان

نعمان بن منذر شد و این موضوع باعث شد تا احساس ناراحتی و بدبختی در قلب

و روح عدی بن زید شعله‌ور شود؛ زیرا وی زمانی عزیز قوم و قبیله‌ی خود و حتی در نزد پادشاه ایران بود؛ ولی اکنون باید در کمال ذلت و بدبختی در زندان به سر برد.

زندان باعث شد تا حسرت و حزن از قلب عدی به شعر او راه یابد. وی در اعتذاریات خود از سختی‌های زندان سخن گفته و بر بی‌گناهی خود تاکید می‌کند. اولین شعری که عدی بن زید در زندان سرود و به نعمان فرستاد، این شعر است. شاعر در پی آن است تا از میان مدح و استعطاف راهی برای نفوذ در دل نعمان پیدا کند و از این طریق، موجبات آزادی خود را فراهم کند (بوعیاد، ۲۰۰۶م: ۲۴):

لَيْسَ شَيْءٌ عَلَى الْمَنُونِ بِخَالٍ لَا عَدِيمٌ وَلَا مُثَمَّرٌ مَالٍ
لَيْتَ شِعْرِي عَنِ الْهَمَامِ وَيَأُ تَيْكَ بِخُبْرِ الْأَنْبَاءِ عَطْفُ السُّؤَالِ
(المعبيد، ۱۹۶۵: ۵۶)

ترجمه‌ی ابیات: هیچ‌کس را از مرگ، گریزی نیست، نه انسان محروم و نه انسان دارا. ای کاش از آن بزرگوار خبر داشتم و خبر را در پی پرسش می‌توان یافت.

بهترین نمونه از شعر اعتذاریات عدی، این شعر است:

لَيْسَ شَيْءٌ عَلَى الْمَنُونِ بِبَاقٍ غَيْرَ وَجْهِ الْمُسَبِّحِ الْخَلَاقِ
(همان، ۱۵۰)

ترجمه‌ی بیت: هیچ چیز جز خداوند پاک و تسبیح‌شده و آفریننده در برابر مرگ جاویدان نیست.

این شعر به درستی، توانسته سختی زندان و احساسات عدی را منعکس کند.

در ادامه می‌گوید:

فِي حَدِيدِ الْقِسْطِاسِ يَرْقُبُنِي الْحَا رِسُّ وَالْمَرْءُ كُلُّ شَيْءٍ يُلَاقِي
فِي حَدِيدِ مُضَاعَفٍ وَ غُلُولٍ وَثِيَابٍ مُنْضَحَاتٍ خِلَاقٍ
(همان، ۱۵۱)

ترجمه‌ی ابیات: نگهبان از من در آهنی سخت مراقبت می‌کند و انسان در این زندان هر چیز غیرممکن را می‌بیند. من در آهنی که دو حلقه بافته شده و در غل و زنجیر و در یک لباس کهنه‌ی گشاد اسیرم.

شاعر در این ابیات، وضعیت سخت خود را بادقت و صداقت بیان می‌کند. این شرایط برای او به‌قدری سخت و غیرقابل تحمل است که از برادرانش می‌خواهد تا در ماه حرام به سوی او بروند و او را از این زندان طاقت‌فرسا برهانند.

فَارَكَبُوا فِي الْحَرَامِ فُكُّوا أَخَاكُمْ إِنَّ عَيْرًا قَدْ جُهِّزَتْ لِانْطِلَاقِ
(همان)

ترجمه‌ی بیت: در ماه‌های حرام، سوار اسب‌هایتان شوید و برادران را نجات دهید زیرا که کاروان آماده‌ی حرکت است.

عدی بن زید در بایه‌ی خود به خدمات خود به نعمان اشاره می‌کند؛ هر چند که نعمان هیچ‌گاه به فریادهای عدی گوش نسپرد و فقط بعد از مرگ او بود که متوجه بی‌گناهی عدی شد و ابراز پشیمانی کرد.

سَعَى الْأَعْدَاءُ لَا يَأْلُونَ شَرًّا عَلَيَّ وَرَبِّ مَكَّةَ وَالصَّلِيبِ
وَ كُنْتُ لِرِازِ خَصْمِكَ لَمْ أُعْرِدْ وَقَدْ سَلَكَوكَ فِي يَوْمِ عَصِيبِ
فَفُزْتُ عَلَيْهِمْ لَمَّا التَّقِينَا بِتَاجِكِ فَوْزَةَ الْقَدْحِ الْأَرِيبِ
(همان، ۳۸ و ۳۹)

ترجمه‌ی ابیات: قسم به خداوند مکه و صلیب، دشمنان بر ضد من سخن‌چینی می‌کنند؛ در حالی‌که در این کار، از هیچ بدی فروگذار نمی‌کنند. زمانی‌که برای به دست آوردن تاج و تخت، روبه‌روی هم ایستادیم تو چنان تیر قمار ماهر، بر آنها پیروز شدی.

وی در این ابیات به دشمنان خود اشاره می‌کند و به خداوند سوگند می‌خورد و در ادامه به نعمان یادآوری می‌کند که او همیشه دشمنان او را تحت نظر داشته و همیشه اسرار او را از نامحرمان پنهان داشته است. در ادامه، آشکار می‌کند که اگر او نبود، نعمان هیچ‌گاه نمی‌توانست به تاج و تخت بنشیند.

در پایان این بحث باید اشاره کرد که ۱. اعتذاریات عدی به خاطر صداقت و اصالت و نهایت مهارتی که شاعر در این شعرها به کار برده، بی‌نظیر است ۲. عدی بن زید، اولین شاعر عربی است که به اعتذار پرداخته است؛ زیرا عدی قبل از نابغه به دربار حاکمان حیره و مخصوصاً به دربار نعمان بن منذر رفت و آمد داشته است و باید گفت که نابغه، این فن را از عدی گرفته است. اعتذاریات وی از نابغه، ممتازتر است؛ زیرا عدی بن زید سختی‌های زندان و معنای ترس و اندوه و خواری را با تمام وجود درک کرده است اشعار وی از شخصی با فضایل انسانی و شخصیتی بزرگ، که مقرب دربار ساسانیان بوده، نشأت گرفته است؛ در حالی که اعتذاریات نابغه، اشعار شاعری متکسب است که خواری و ذلت در اشعار او پیداست. (هاشمی، ۱۹۶۸: ۱۳۱ و ۱۳۲)

۲-۳. پند و اندرزها: حوادث اواخر عمر عدی بن زید بر شعر وی تأثیر گذاشته و این تأثیر در شعرهای حکمت‌آمیز شاعر دیده می‌شود (طهرانی، ۱۳۸۸: ۱۷۳) این اشعار، قسمت عمده‌ی دیوان عدی بن زید را شامل می‌شود. به نظر می‌رسد ایمان وی به آخرت و مرگ و فانی دانستن دنیا و نیز زندانی شدن، تأثیر زیادی بر او گذاشته است. عدی بن زید بیشتر قصائد خود را به جای اینکه با

وقوف بر اطلال و دمن شروع کند، با پند و اندرز شروع کرده و نیز بسیاری از قصیده‌ها برخلاف شعر جاهلی، مختص به یک غرض است که همان پند و اندرز است. (الشطی، ۱۴۲: ۱۹۹۸)

مانند این قصیده:

أرواحٌ مودِعٌ أم بَكُورٌ لَكَ؟ فاعمدُ لأَيِّ حالٍ تصيرُ
(معین، ۱۹۶۵: ۸۴)

ترجمه‌ی بیت: آیا وداع تو شامگاه است یا صبح‌گاهی که از راه می‌رسد. توجه کن که چگونه به سوی مرگ می‌روی.

عدی موعظه‌های خود را از تاریخ، منابع دینی، تجربه و مشاهدات شخصی گرفته است. (هاشمی، ۱۹۶۸: ۱۳۶) و این پندها درباره‌ی مرگ و نابودی دنیا و گذر ایام و آمدن پیری و حکمت است.

مرگ و نابودی امت‌های پیشین:

أینَ أهلِ الدِّيارِ مِن قَومِ نُوحٍ ثُمَّ عادٌ مِن بَعْدِهِم وَثَمُودُ
أینَ أبائُنَا وَأینَ بَنُوهُم أینَ أبائِهِم وَأینَ الجُدُودُ
سَلَكُوا مَنهَجَ المَنايا فبادُوا وَأرانا قَد كانَ مَنّا وَرُودُ
(معین، ۱۹۶۵: ۱۲۲)

ترجمه‌ی ابیات: کجایند اهل سرزمین‌های قوم نوح و عاد و ثمود؟ کجایند پدران ما؟ کجایند فرزندان آن‌ها؟ و کجایند پدران و اجدادشان؟ به راه مرگ رفتند و نابود شدند و به ما نشان دادند که ما نیز خواهیم مرد.

شاعر، این شعر خود را از منابع دینی گرفته و درباره‌ی مرگ سخن می‌گوید.

وی بیان می‌کند که همه نابود شده و کسی در این دنیا جاودان نیست و پیام می‌دهد که ما نیز خواهیم مرد.

حکمت‌ها: بهترین نمونه برای حکمت در شعر عدی تجارب الحیاء، با این مطلع است.

أَتَعْرِفُ رَسْمَ الدَّارِ مِنْ أُمَّ مَعْبِدٍ نَعَمْ! فَرَمَاكَ الشَّوْقُ بَعْدَ التَّجَلُّدِ
(همان، ۱۰۲)

ترجمه‌ی بیت: آیا خرابه‌های خانه‌ی ام معبد را می‌شناسی؟ بله! بعد از صبر و پایداری، شوق تو را فرامی‌گیرد.

این قصیده، سرشار از حکمت‌های ماندگار درباره‌ی زندگی و مرگ و روابط اجتماعی است. شاعر این حکمت‌ها را از طریق تجربه‌های شخصی و مشاهدات خود، درک کرده است.

جوانی و پیری:

نَزَلَ الْمَشِيبُ بِوَفْدِهِ لَا مَرْحَبًا وَرَأَى الشَّبَابُ مَكَانَهُ فَتَجَنَّبَا
ضَيْفٌ بَغِيضٌ لَا أَرَى لِي عُصْرَةً مِنْهُ هَرَبْتُ، فَلَمْ أُجِدْ لِي مَهْرَبًا
(همان، ۱۱۳)

ترجمه‌ی ابیات: پیری، که آفرین بر او مباد، با همراهانش بر من فرود آمد و جوانی، هنگامی که او را به جای خود دید، فرار را بر قرار ترجیح داد. پیری، مهمان مبعوض و ناخوشایندی است که من در مقابل آن هیچ پناهگاهی برای خود نمی‌بینم.

شاعر در این ابیات، با بیانی لطیف و شیوا، از آمدن پیری سخن می‌گوید. وی پیری را دشمنی می‌داند که بهترین دوست او یعنی جوانی را از او گرفته و آینده‌ای مبهم را به او داده است.

مواعظ عدی بن زید ارزش انسانی و تاریخی دارد. انسانی به این دلیل که هر کسی این شعرها را می‌خواند، خود را در مقابل یک احساس عمیق انسانی می‌بیند، که هر قدر علو مرتبه داشته باشد، باز هم باید تسلیم مرگ شود. این اشعار

به خاطر این که شاعر از خلال حوادث روزگار و تاریخ گذشته، حکمت و مواظ را برای انسان آشکار می‌کند، ارزش تاریخی دارد. وی گاهی در بیان حکمت و پند به شعر قصصی پناه برده و سرگذشت ملت‌های گذشته را در این قالب، بیان داشته است؛ مثل قصیده‌ای که درباره‌ی آفرینش آدم و حوا و یا داستان جذیمه و زبّاء سروده است.

قصیده‌ی شماره‌ی ۱۰۳ از دیوان درباره‌ی آفرینش آدم و حوا (شاعر، معانی این قصیده را از کتاب انجیل و تورات گرفته و روشن است که عدی بن زید به دلیل مسیحی بودن با این کتاب‌ها آشنا بوده است).

مطلع قصیده:

إِسْمَعُ حَدِيثًا كَمَا يَوْمًا تُحَدِّثُهُ عَنْ ظَهْرِ غَيْبٍ إِذَا مَا سَأَلْتُ سَأَلَا

(همان، ۱۵۸)

قصیده‌ی شماره‌ی ۱۳۸ درباره‌ی داستان تاریخی جذیمه و زبّاء:

أَلَا أَيُّهَا الْمُثْرَى الْمُزَجِّجِي أَلَمْ تَسْمَعْ بِخَطْبِ الْأَوْلِيَانَا

(همان، ۱۸۱)

ترجمه‌ی بیت: ای انسان ثروتمند ضعیف، آیا احوال پیشینیان را نشنیده‌ای؟

بیان این شعرها با این مضمون دلالت بر دانسته‌های تاریخی عدی بن زید و

مهم‌تر از آن بر پیشاهنگی وی در شعر قصصی دارد. (هاشمی، ۱۹۶۸: ۱۶۵)

۳-۳. خمر: وصف خمر در عصر جاهلی، نشانه‌ی سعادت‌مندی و جوانمردی

بوده و شاعران به آن افتخار می‌کردند؛ به این دلیل دور از انتظار نیست که

عدی بن زید، شاعر مؤمن و مسیحی، به وصف خمر پردازد و به آن مباحات کند.

این موضوع، زمانی آشکارتر می‌شود که ما درمی‌یابیم حیره یکی از زیباترین

شهرهای عربستان بوده و ناب‌ترین شراب‌ها در این شهر تهیه و بهترین مجالس‌ها

در این شهر برپا می‌شده است.

شاعر مذکور، عنایت ویژه‌ای به شراب داشته و برخلاف هم‌عصرانش، که وصف شراب را در ضمن قصائد خود می‌آوردند، به یک قصیده اختصاص داده و در آن از شراب، رنگ، مزه، جام، ساقی و میکدها و هر آنچه به شراب مربوط است، سخن می‌گوید. (همان، ۱۸۰ و ۱۸۱)

بهترین نمونه‌ی شعر خمر عدی بن زید، که در دوران جوانی سروده شده است، قصیده‌ی «بکر العاذلون» با این مطلع است:

بَكَرَ الْعَاذِلُونَ فِي وَضْحِ الصُّبْحِ يَقُولُونَ لِي أَلَا تَسْتَفِيقُ

(معین، ۱۹۶۵: ۷۶)

ترجمه‌ی بیت: نکوهش‌گران در روشنایی صبح برخاسته‌اند و به من می‌گویند: آیا بیدار نمی‌شوی؟

عدی بن زید در این قصیده، بسیار رقیق‌تر و نرم‌تر از شاعران عباسی است. تا جایی که رقت واژه‌ها در کنار اسلوب آسان باعث شده تا این شعر، در عصر عباسی مورد تقلید واقع شود؛ به این دلیل است که آقای هاشمی در کتاب خود معتقد است که باید عدی بن زید را پدر شعر خمر بدانیم؛ زیرا «این شاعر برای اولین بار در یک قصیده به شراب پرداخته است و شاعرانی که بعد از او آمده‌اند، مانند اعشی و اخطل و ولید بن یزید، از او پیروی کرده‌اند». (هاشمی، ۱۹۶۸: ۱۸۰ و ۱۸۱)

نمونه‌ای از شعر خمر. که در دوران میان‌سالی و در زندان در نهایت حزن و اندوه سروده است، قصیده‌ی «الی عبد هند» با این مطلع است:

أَبْلَغُ خَلِيلِي عَبْدَ هِنْدٍ فَلَا زِلْتُ قَرِيبًا مِنْ سَوَادِ الْخُصُوصِ
مُؤَاوِزِي الْقُرَّةِ أَوْ دُونَهَا غَيْرَ بَعِيدٍ مِنْ عَمِيرِ اللَّصُوصِ

(معین، ۱۹۶۵: ۶۸)

ترجمه‌ی ابیات: به دوستم «عبد هند» برسان که امید است، همیشه نزدیک شهر «خصوص» باشی! شهری که روبه‌روی سرزمین قره یا پایین‌تر از آن قرار دارد که از روستای «عمیر اللصوص» نیز دور نیست. شاعر، این قصیده را به یاد مجالس لهو و شراب گذشته، سروده است. ابوالعلاء المعری، درباره‌ی این قصیده گفته است، «این شعر از بدیع‌ترین، شعرهای عربی است». (المعری، بی تا: ۱۸۷)

۳-۴. غزل: غزل عدی بن زید بر دو نوع است: نوع اول، مثل باقی غزل‌های جاهلی با وقوف بر اطلال و یادآوری روزهای وصل گذشته آغاز می‌شود و به شکایت از فراق می‌انجامد. شاعر در نوع دوم به وصف زن و محبوبه پرداخته است. وی در این غزل، یک‌بار زنان را در محیط شهرنشینی می‌بیند که ملبس به حریر و ابریشم هستند و بار دیگر آنان را در کجاوه‌ها و سیاه‌چادرها نظاره می‌کند.

قصیده‌ی «تجارب الحیاء» نمونه‌ی بارز نوع اول غزلاست:

| | |
|--|---|
| أَتَعْرِفُ رَسْمَ الدَّارِ مِنْ أُمَّ مَعْبَدٍ | نَعَمْ! فَرَمَاكَ الشَّوْقُ بَعْدَ التَّجَلُّدِ |
| ظَلَّلْتُ بِهَا أَسْقَى الْغَرَامِ كَأَنَّمَا | سَقَّتَنِي النَّدَامَى شَرْبَةً لَمْ تُصَرِّدِ |

(معین، ۱۹۶۵: ۱۰۲)

ترجمه‌ی ابیات: در آن‌جا باقی ماندم و عشق نوشانده شدم، گویی ساقیان، مرا از باده‌ای بی‌پایان سیراب می‌کردند.

شاعر در نوع دوم غزل به تشبیهات حسی و مادی به رسم شاعران جاهلی پرداخته است. او زن را به تخم شترمرغ و یا عروسکی از عاج تشبیه می‌کند و یا دندان‌های محبوب خود را به گل بابونه تشبیه می‌کند. مانند:

| | |
|--|---|
| كَلْبِيضٍ فِي الرُّوَضِ زَهْوَةٌ مُسْتَنِيرٌ | كَدَمِي الْعَاجِ فِي الْمُحَارِيبِ أَوْ |
|--|---|

(همان، ۸۴)

ترجمه‌ی بیت: زنان زیبا مانند بت در پرستش گاه‌ها و یا گل‌های سفید مرغزاری هستند که شکوفه‌های‌شان روشنی‌بخش است.

إِذْ هِيَ تَسْبِي النَّاطِرِينَ وَتَجُ
لُو وَاضِحاً كَالْأَفْحُونَ رَتِلُ
(معین، ۱۹۶۵: ۱۵۷)

ترجمه‌ی بیت: لمیس نگاه ناظران را به طرف خود جلب می‌کند و مانند گل بابونه می‌درخشد.

با دقت در غزل‌های عدی می‌توان دریافت که شعرهای او نه از روی عشق، بلکه صرفاً از زندگی راحت و بهره‌مندی وی از نعمت‌های روزگار خود نشأت می‌گیرد؛ زیرا با توجه به زندگی شخصی عدی، او عشق نافرجام نداشته که بخواهد در شعرهایش از او یاد کند و یا از دوری و هجران او بنالد. (هاشمی، ۱۹۶۸: ۲۰۹)

۳-۵. شعر قصصی: شعر قصصی، نوعی از انواع شعر است که شاعر در آن به ذکر واقعه و حادثه‌ها در چارچوب قصه می‌پردازد. این نوع شعر در آن واحد هم شعر است و هم قصه. شعر قصصی به این معنا در شعر جاهلی قبل از عدی‌بن زید دیده نمی‌شود. هر چند که بعضی از قصاید امروالقیس را می‌توان از این نوع شعر به حساب آورد، باید عدی‌بن زید را پایه‌گذار اصلی شعر قصصی دانست. «قصه‌های شعری عدی‌بن زید از آگاهی زیاد او به منابع دینی و تاریخی سرچشمه می‌گیرد». (هاشمی، ۱۹۶۸: ۲۵۴) شاعر در این‌گونه شعر از قصه‌ی آفرینش آدم و حوا سخن می‌گوید و به قوم عاد و ثمود اشاره می‌کند و در قصیده‌ای دیگر از جذیمه و زباء و یا در شعری دیگر از نضیره و شاپور و قصه‌ی سرزمین حضر سخن به میان می‌آورد. قصه‌های شعری عدی‌بن زید مضامین حکمت‌آمیز و در راستای پند و اندرز است.

عدی قصه جذیمه و زباء را این‌گونه آغاز می‌کند:

أَلَا أَيُّهَا الْمُثْرَى الْمُزَجَّيَّ أَلَمْ تَسْمَعْ بِخَطْبِ الْأَوْلِيَانَا

(معیند، ۱۹۶۵: ۱۸۱)

ترجمه‌ی بیت: ای ثروتمندی که همه چیز برایت فراهم شده است، آیا احوال پیشینیان را نشنیده‌ای؟

وی در ادامه‌ی قصیده به دعوت زبّاء از جذیمه برای سفر به دیار او اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که جذیمه برای این کار با بزرگان و مشاوران خود مشورت می‌کند و به نظر قصیر که رای درست بود توجهی نکرده و راهی سفر می‌شود.

فَطَاوَعَ أَمْرَهُمْ وَعَصَى قَصِيرًا وَكَانَ يَقُولُ لَوْ تَبِعَ الْيَقِينَا

(همان، ۱۸۳)

ترجمه‌ی بیت: جذیمه با آن‌ها توافق کرد و از پیشنهاد قصیر روی برگرداند و در حالی که او حقیقت را می‌گفت و ای کاش از حقیقت پیروی می‌کرد.

جذیمه در دسیسه‌ی زبّاء گرفتار می‌شود و در این سفر، کشته می‌شود.

وَقَدَّمَتِ الْأَدِيمَ لِرَاهِشِيهِ وَالْفَلَى قَوْلَهَا كَذِبًا وَمِينَا

(همان، ۱۸۳)

ترجمه: «زبّاء» دست «جذیمه» را تا دو رگ داخل آن برید و در این هنگام جذیمه همه‌ی حرف‌های او را دروغ یافت.

در ادامه‌ی قصه، باز این قصیر است که قهرمان داستان می‌شود و با از خودگذشتگی و با بریدن بینی خود قصد خون‌خواهی جذیمه می‌کند.

فَأُهَوِّهُ لِمَارِنِهِ فَأُضْحِي طَلَّابَ الْوَتْرِ مَجْدُوعًا مَشِينَا

(همان)

ترجمه‌ی بیت: او تیغ را روی بینی پایین آورد و خون‌خواه و بینی‌بریده و معیوب شد.

و در ادامه، به وسیله‌ی نقشه‌هایی که می‌کشد، به خواهرزاده‌ی جدیمه (عمرو) کمک می‌کند تا انتقام دایی خود را بگیرد.

و دَسَّ لَهَا عَلَى الْأَنْفَاءِ عَمْرًا
بَشَكَّتَهُ وَ مَا خَشِيَتْ كَمِينَا
(معین، ۱۹۶۵: ۱۸۳)

ترجمه‌ی بیت: او عمرو را همراه با سلاحش در پشت شتر پنهان کرد. وی می‌دانست که زبانه از این کمین کردن بیم ندارد یعنی شک نکرده و پی به توطئه نمی‌برد.

عدی بن زید در پایان قصه، نتیجه‌گیری کرده و بیان می‌دارد مرگ در کمین همه‌ی انسان‌هاست و هیچ‌کس راه‌گریزی از مرگ ندارد.

إِذَا أُمِّهَلْنَ ذَا جَدِّ عَظِيمِ
عَطْفُنَ لَهُ وَ لَوْ فِي طِيِّ حِينَا
أَلَمْ تَرَ أَنَّ رَيْبَ الدَّهْرِ يَعْلُو
أَخَا النَّجْدَاتِ وَالْحَصْنِ الْحَصِينَا
(همان، ۱۸۴)

ترجمه‌ی بیت: اگر به انسان تلاشگر مهلت دهند، مرگ به او روی می‌آورد، اگر چه در تودرتوی زمان باشد. آیا نمی‌بینی که حوادث روزگار، بر انسان دلیر و قلعه‌های استوار برتری می‌یابد.

با این توضیحات، آشکار می‌شود که قصه‌های شعری عدی به دو بخش قصه‌های دینی و تاریخی تقسیم می‌شود. اسلوب عدی در قصه‌های شعری چون اسلوب او در پند و اندرزهاست. عبارت‌ها و تصویرسازی شاعر بدون ابهام و پیچیدگی است. این نوع از اشعار عدی بیشتر عقلی است و عاطفه در آن کم‌رنگ است (هاشمی، ۱۹۶۸: ۱۶۱). آنچه باعث برتری قصه‌های شعری عدی بر سایر هم‌عصرانش شده این است که؛ ۱. اشعار قصصی عدی بر اساس آگاهی

گسترده‌ی او بر تاریخ و منابع دینی ساخته شده است؛ ۲. در کل قصیده از یک موضوع سخن می‌گوید؛ ۳. اخبار و حوادث در اشعار عدی به ترتیب منطقی منظم پشت سر هم ذکر می‌شود (هاشمی، ۱۹۶۸: ۱۶۶)؛ ۴. بر طبق گفته‌ی جاحظ عدی بن زید پیش‌رو شعر جاهلی در شعر قصصی است. (جاحظ، ۱۹۶۶، ج ۴: ۲۰۴ و ۲۰۵)

۴. ابتکار در شکل قصاید

قصیده در عصر جاهلی با وقوف بر اطلال آغاز شده، سپس به وصف خمر و محبوبه می‌پردازد و شاعر در این بخش از قصیده، اقدام به توصیف محبوب کرده و سپس از دوری او شکایت و به سفر خود در پی محبوب اشاره می‌کند و در ادامه‌ی قصیده به وصف اسب یا شتر خود پرداخته و در نهایت وارد غرض اصلی می‌شود. (الفرطوسی، ۲۰۰۶: ۶۴)

عدی بن زید در بیان اشعار خود، شکل تقلیدی یعنی وقوف بر اطلال را کنار گذاشته، شمار قصاید تقلیدی او بسیار اندک است. (هاشمی، ۱۹۶۸: ۲۵۷)

عدی بن زید، گاه قصاید خود را با پند و حکمت آغاز می‌کند؛ مثل این شعر:

أرواحٌ مودعٌ أم بکورٌ لك؟ فاعمدُ لأیِّ حالٍ تصیرُ
(معین، ۱۹۶۵: ۸۴)

و گاه با وصف ابر:

أرقتُ لمكفهرٍ باتٍ فیهِ بوارقٌ یرتقینَ رؤوسَ شیبِ
تلوحُ المشرقیةُ فی ذراهُ ویجلو صفحَ دخدارٍ قشیبِ
(همان، ۳۷)

ترجمه‌ی بیت: شب را بی‌خواب شدم به خاطر ابر انبوهی که در آن ابر، برق‌هایی بود که مانند شمشیرهایی از قله‌ی کوه‌های پوشیده از برف، بالا می‌رفت.

برق‌هایی که چون شمشیرهای مشرفی است و در بالای ابرها می‌درخشد و کناره‌های آن ردای رنگین را روشن می‌کند.

۵. ابتکار در درون‌مایه و معانی

عدی بن زید شاعری کریم‌النفس و دارای جایگاهی بسیار والا در حیره و دربار ساسانیان بوده است؛ به همین دلیل‌ها شاعر، نیازی نمی‌بیند تا شعرش را برای خوشایند دیگران به انواع آرایه‌ها زینت دهد؛ وی هر جا اراده کرده که از احساس خود سخن بگوید، بدون تکلف و با زبان شعر از این احساس و عاطفه تعبیر می‌کند و همین مناعت طبع و کرامت نفس به او اجازه نداده تا معانی اشعار خود را از دیگران بگیرد و در نتیجه، خود اقدام به ایجاد معانی زیبا کرده است.

او در هجای دشمن خود با زبانی ساده می‌گوید:

| | |
|--|---|
| و ما أَلْفَيْتِنِي حِلْمِي مُضَاعَا | ذَرِينِي إِنَّ أَمْرَكَ لَنْ يُطَاعَا |
| عَلِي، وَحَالَفْتَ عُرْجًا ضَبَاعَا | أَلَا تَلِكَ الثَّعَالِبُ قَدْ تَوَالَتْ |
| وَأَفْرَقَ مِنْ حِذَارِي أَوْ أَتَاعَا | لَتَمَضُّعَنِي الْعِدَاةُ فَمَرَّ لَحْمِي |

(معین، ۱۹۶۵: ۳۵)

ترجمه‌ی ابیات: رهایم کن زیرا من دستور تو را اطاعت نمی‌کنم و تو حلم و بردباری مرا، تباه‌شده نمی‌یابی. آگاه باش؛ دشمنان روباه صفت در پی من هستند و علیه من، با هم هم پیمان شده‌اند. تا دشمنان گوشت مرا بچوند و گوشت من برای آن‌ها تلخ است. آن‌ها از ترس من این گوشت را بیرون می‌اندازند و استفراغ می‌کنند.

شاعر در این اشعار از واژه‌های سخت استفاده نکرده و برای بیان احساسش تعبیری پیچیده و نامفهوم به‌کار نبرده است. «استفاده‌ی او از وزن‌های خفیف و

کوتاه نیز گواه این است که عدی بن زید شاعری است که شعر را از روی طبع گفته است». (هاشمی، ۱۹۶۸: ۲۶۳)

عدی در شعر خود از معانی جدید استفاده کرده و معانی بعضی از اشعار او در عصرهای بعدی، مورد تقلید قرار گرفته است؛ مثل این بیت:

وَصَحِيحٌ أَصْحَىٰ يَعُودُ مَرِيضًا وَهُوَ أَدْنَىٰ لِلْمَوْتِ مِمَّنْ يَعُودُ
(معین، ۱۹۶۵: ۱۲۲)

ترجمه بیت: چه بسا آدم سالمی که به عیادت مریض می‌رود و این انسان

سالم به مرگ نزدیک‌تر از شخص مریض است.

علی بن جهنم در این معنی سروده است:

كَمْ مِنْ عَلِيلٍ قَدْ تَخَطَّاهُ الرَّدَىٰ فَتَجَا وَ مَاتَ طَبِيبُهُ وَ الْعُودُ
(ابن قتیبه، عیون، ۱۹۳۰: ج ۲، ۳۱۷)

ترجمه بیت: چه بسیار مریضی که مرگ از او می‌گذرد و شخص از درد

نجات می‌یابد و پزشک و عیادت‌کننده‌های او می‌میرند.

و این بیت شاعر:

أَرْوَاحٌ مُّودَعٌ أَمْ بَكُورٌ لَكَ؟ فَاعْمِدْ لَأَيِّ حَالٍ تَصِيرُ
(المعین، ۱۹۶۵: ۸۴)

جمیل بئینه در تقلید این بیت سروده است:

رَوَاحٌ مِنْ بَثِينَةٍ أَوْ بَكُورٌ غَدًا فَانظُرْ لَأَيِّهِمَا تَصِيرُ
(هاشمی، ۱۹۶۸: ۲۶۳)

معانی و درون مایه‌ی اشعار عدی بن زید از دل و جان او سرچشمه می‌گیرد. وی برخلاف هم‌عصرانش در همه جای اشعارش صادق است. شاعران در عصر جاهلی در خدمت قبیله‌ی خود بودند. آن‌ها در شعر خود از هر چیزی که به قبیله مربوط بود، سخن می‌گفتند و در این راه از همه‌ی توان خود استفاده کرده و

توجهی نداشتند، این شعر سروده شده، عقیده‌ی خود آن‌هاست یا نه؟ زیرا این قبیله بود که در رأس امور قرار داشت نه شاعر، و نه احساس و عواطف او. عدی در تمام اشعار خود صادق است؛ زمانی که دشمن را هجو می‌کند، یا در فخر خود و مهم‌تر از همه در حکمت‌ها و اعتداریات. شاعر هر آنچه از دنیا و سختی‌هایش درک کرده با زبانی ساده و شیرین برای انسان‌ها بیان می‌دارد و آن‌ها را از سرنوشت محتوم یعنی مرگ خبر می‌دهد.

مثل این ابیات از قصیده‌ی تجارب الحیاء:

كَفَى زَا جِرًا لِلْمَرْءِ أَيَّامُ ذَهْرِهِ تَرَوْحُ لَهُ بِالْوَاعِظَاتِ وَتَعْتَدِي

(معین، ۱۹۶۵: ۱۰۴)

ترجمه‌ی بیت: همین مانع انسان را بس که روزگار با پند و اندرزها برای او،

روز و شب می‌شود.

عدی بن زید، روزگار را چون معلمی می‌داند که هر روز درس جدیدی را شروع می‌کند و این عقیده‌ی خود را در زیباترین عبارت بیان داشته و هدف او بیدار کردن انسان‌هاست.

۶. نوآوری در لفظ

شاعران عرب در دوره‌ی جاهلی به زبان و لهجه‌ی نجد شعر می‌سرودند؛ هر چند که ممکن بود این شاعران در مکانی غیر از نجد ساکن باشند؛ اما عدی بن زید از این قاعده، مستثنی بوده او در شعر خود از واژه‌های حیره‌ای استفاده کرده است. الفاظ شعری عدی بن زید، آسان و روان و به دلیل تأثیر از حیره، رنگ و بوی مدنیت دارد.

أَطَعَتَ بَنِي بُقَيْلَةَ فِي وَثَاقِي وَ كُنَّا فِي خُلُوقِهِمْ ذُبَا حَا

مَنْحَتَهُمُ الْفُرَاتَ وَ جَانِبِيهِ وَ تَسْقِينَا الْأَوْجِنَ وَ الْمَلَا حَا

(همان، ۱۲۰)

ترجمه‌ی بیت: در موضوع زندانی کردن من، قبیله‌ی «بنی بقیله» را اطاعت کردی در حالی که ما دردی در گلوی آن‌ها بودیم. فرات و اطراف آن را به آن‌ها بخشیدی و آب آلوده و شور به ما نوشاندی!

در این ابیات، عدی بن زید با زبانی آسان و روان نعمان بن منذر را مورد خطاب قرار داده و او را به خاطر هم‌پیمانی با قبیله‌ی «بنی بقیله» نکوهش می‌کند. در کنار واژه‌های آسان او باید به الفاظ فارسی موجود در دیوان این شاعر اشاره کرد. این کلمه‌های فارسی به دلیل ارتباط مستقیم این شاعر با حیره و نیز دربار ساسانیان به اشعار وی راه یافته است.

حیره یکی از مهم‌ترین شهرهای عربی از نظر اقتصادی و فرهنگی، در عصر جاهلی بود. این شهر، ارتباط مستقیم با ایران داشته و هرساله کاروان‌هایی از این شهر به ایران رفته و یا از ایران به این شهر وارد می‌شدند. عدی بن زید در این شهر به دنیا آمد و بزرگ شد. در دوره‌ی نوجوانی علاوه بر زبان عربی، در زبان فارسی مهارت یافت؛ و سپس در دربار ساسانیان به کار کتابت مشغول شد. عدی در این شرایط و محیط پرورش یافت، پس دور از انتظار نیست که بینیم واژه‌های فارسی در اشعار او دیده می‌شود. (مصطفی، ۲۰۰۶م: ۱۰۵)

از پادشاهان ایرانی که نام‌شان در شعر وی آمده می‌توان به، انوشیروان، قباد (قباد)، کسری (خسرو پرویز)، حیقار، سابور (شاپور)، اشاره کرد.

مانند قباد و حیقار که در این بیت به او اشاره شده است:

صَرَ عَن قُبَادًا رَبَّ فَارِسَ كَلِّهَا وَحَشَّتْ بِأَيْدِيهَا بَوَارِقَ أَمَدٍ
عَصَفْنَ عَلَى الْحَيْقَارِ وَسَطَ جُنُودِهِ وَبَيَّتْنَ فِي لَدَائِهِ رَبَّ مَارِدٍ
(معین، ۱۹۶۵: ۱۲۴)

ترجمه‌ی بیت: مرگ، قباد را که پادشاه همه‌ی ایران بود، بر زمین زد و شهرهای «آمد و بوارق» را به خاطر مرگش تکان داد. حیقار را در میان سربازانش هلاک

کردند و صاحب قلعه‌ی مارد (پادشاه حبشه) را در لذات او بیتوته دادند (به جای او نشانند).

از اسم‌های فارسی شهرها، که در شعر عدی بن زید ذکر شده، خورنق، سدیر، بقیه است.

و تامل ربَّ الخورنقِ إذ اش
رف یوماً و للهدی تفکیرُ
سرّه ماله و کثره ما یم
لک و البحرُ معرضاً و السدیرُ
(همان، ۸۹)

ترجمه‌ی بیت: به خداوندگار قصر خورنق بیندیش روزی که از بلندای قصر نگاه می‌کرد و به راه هدایت فکر می‌کرد. مال و اموال و دریایی که روبه‌روی او بود و نیز قصر سدیر او را خوشحال کرد.

وی از واژه‌های فارسی دیگر نیز استفاده کرده است؛ مثل: قابوس، یکسوم، مرزبان، فیج، ابریق، کافور و مسک، باطیه و....

يَنْفَحُ مِنَ أَرْدَانِهِ الْمِسْكَ وَالْ
عَنْبَرُ وَالْغَارُ وَالْبَنَى قَفُوص
(معیبد، ۱۹۶۵: ۷۱)

ترجمه‌ی بیت: از لباس او بوی مشک و عنبر و غار و بوی درخت لبنی که در شهر قفوص است بلند می‌شود.

در این بیت، لفظ مسک ذکر شده که همان مشک در فارسی است.

أبلغ أبا قابوس، إذ جَلَزَ ال
نَّعْ، وَلَمْ يُؤْخَذَ لِخَطِّي يَسْر
(همان، ۱۲۹)

ترجمه‌ی بیت: پیام مرا زمانی به اباقابوس برسان که کمان خود را تا آخر کشیده و آماده‌ی پرتاب است و حال آنکه کسی مطیع نیزه‌ی من نشده است.

قابوس، اسم فارسی و در این بیت منظور نعمان بن منذر است.

نتیجه

- عدی بن زید از شاعران نوآور جاهلی، اولین کسی است که خمر را به عنوان فن مستقل به کار برد و شاعران خمرسرای از او پیروی کرده‌اند. عدی در این خمریات به رنگ و بوی شراب، ساقیان، مجالس انس و حتی جزئی‌ترین موارد آن مثل وصف حباب‌های روی شراب پرداخته است. شاعر در سرودن این اشعار به معانی جاهلی اکتفا نکرده و اقدام به ابتکار و ابداع معانی جدید کرده است. شاعر در وصف خمر از راه اعتدال خارج نشده و هیچ‌گاه از جاده‌ی عفت پا بیرون ننهاده است.
- عدی بن زید اولین شاعر جاهلی است که به شعر قصصی پرداخته است.
- شاعر، موضوعات شعر قصصی را از تاریخ ملت‌های گذشته و از منابع دینی مثل تورات و انجیل گرفته است که این موضوع، وسعت اطلاع او از تاریخ گذشته و نیز کتب دینی را آشکار می‌کند.
- با توجه به اینکه عدی بن زید از نظر زمانی قبل از نابغه زندگی می‌کرده و به دربار نعمان رفت و آمد داشته می‌توان نتیجه گرفت، عدی قبل از نابغه به شعر اعتذار پرداخته است.
- اعتذاریات عدی بن زید نسبت به اعتذاریات نابغه از عمق و احساس بالاتری برخوردار است؛ زیرا که وی درد زندان، ذلت و خواری حاصل از آن را چشیده و در نتیجه با صداقت و اندوه از احساس خود سخن گفته است.
- عدی بن زید در غزل‌های خود گاه، محبوب را در سیاه‌چادر و در بادیه تصور می‌کند و بر اطلال و دمن او اشک می‌ریزد و گاه، او را در محیط شهری و در لباس‌های حریر و ابریشم و با زینت‌ها تصور می‌کند. وی در وصف خود از تشبیهات مادی برگرفته از محیط اطراف، استفاده می‌کند.

- عدی بن زید در خانواده‌ای با فرهنگ و متمدن رشد یافت و در محیطی زندگی کرد که تعصب‌های قبیله بسیار کم‌رنگ بوده و به این دلیل در بین اشعار او جز چند بیت پراکنده، اثری از فخر و هجا نمی‌بینیم.
- عدی بن زید در سرودن شعر از تکلف دوری کرده و با عاطفه‌ای صادق از عواطف خود تعبیر کرده است.
- اشعار عدی بن زید از نظر اغراض و موسیقی از متنوع‌ترین و بی‌نظیرترین اشعار جاهلی بوده و بیشتر اشعار او در بحر‌های عروضی خفیف سروده شده است.
- در دیوان این شاعر، اثری از مدح نمی‌بینیم و دلیل آن، کرامت و عزت نفس این شاعر و تمکن مالی او است.
- اشعار عدی بن زید اصالت داشته و بیشتر معانی او ابداع و ابتکار شاعر بوده است. او حتی در شکل قصیده نیز از هم‌عصرانش پیروی نکرده است. عدی قصاید خود را با پند و حکمت آغاز می‌کند، اگر چه قصایدی به روش جاهلی با وقوف بر اطلال و دمن نیز در اشعار او دیده می‌شود.
- به خاطر ارتباط او با دربار ایران و نیز آشنایی او با زبان فارسی، واژه‌های فارسی در دیوان او وجود دارد.

یادداشت‌ها

۱. حیره در یک فرسخی جنوب کوفه و در ناحیه‌ی جنوب شرقی شهر کنونی نجف قرار داشت (حموی، ۱۹۷۹: ج ۲، ۳۲۸) بنیانگذار حکومت لخمیان در این سرزمین عمرو بن عدی است (ضیف، ۱۴۲۷: ج ۱، ۴۴). این شهر از نظر سیاسی تابع پادشاهان ایران بوده و شهریان آن از قدیم به اراده‌ی شاهان ایرانی بر تخت سلطنت گماشته می‌شدند. (احمد امین، ۲۰۰۸م: ۲۷)

۲. عبادی منسوب به عباد و عبادی‌ها گروه نسبتاً بزرگ از ساکنان حیره که از قبیله‌های مختلفی جمع شده و در خانه‌ها و قصرهایی که در اطراف حیره ساخته شده بود زندگی می‌کردند. این اقوام، مسیحی بوده و خدا را پرستش می‌کردند. (زیدان، لاتا، ۲۶۷)

کتابنامه

الف) کتاب‌ها

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۷۹م) «الاشتقاق»، تحقیق؛ عبدالسلام هارون، بغداد: مکتبه المثنی، ط ۲.
- احمد امین (۲۰۰۸م) «فجر الاسلام»، بیروت: المکتبه العصریه، لاطا.
- الاصفهانی، اَبی الفرج (۱۹۹۴م) «الأغانی»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، لاطا.
- برو کلمان، کارل (۱۹۹۳م) «تاریخ الادب العربی»، ترجمه؛ محمود فهمی حجازی، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ط ۱.
- البکری، ابو عبید (۱۹۳۶م) «سمط اللالی»، تحقیق؛ المیمنی، لامکا، لجنه التالیف و الترجمة و النشر، لاطا.
- جاحظ، ابی عثمان عمر بن بحر (۱۹۶۶م) «الحيوان»، تحقیق؛ عبدالسلام هارون، مصر: شرکه و مکتبه مصطفی البابی الحلبي، ط ۲.
- الجمحی، ابن سلام (۱۹۹۷م) «طبقات الشعراء»، حقه؛ عمر فاروق الطباع، بیروت: شرکه دارالارقم بن اَبی الارقم، لاطا.
- حسین، طه (لاتا) «فی الادب الجاهلی»، تونس: دار معارف للطباعه و النشر، لاطا.
- حموی رومی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۷۹م) «معجم البلدان»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، لاطا.
- الدینوری، ابن قتیبه (۱۹۰۲م) «الشعر و الشعراء»، لیدن المحروسه: مطبعه بریل.
- _____ (۱۹۳۰م) «عیون الاخبار»، القاهره: دارالکتب المصریه، ط ۱.
- زیدان، جرجی (لاتا) «العرب قبل الاسلام» بیروت: دار و مکتبه الحیاة، لاطا.

- الشطی، عبدالفتاح (١٩٩٨ م) «شعراء اماره الحیره فی العصر الجاهلی»، قاهره: دار قباء للطباعة و النشر و التوزیع، لاطا.
- شیخو، لويس (لاتا) «شعراء النصرانیة قبل الاسلام»، بیروت: دارالمشرق، ط ٣.
- الصعیدی، عبدالمتعال (١٩٣٤م) «زعامة الشعر الجاهلی بین امروالقیس و عدی بن زید»، مصر: مطبعة المحمودیة التجاریة، ط ١.
- ضیف، شوقی (١٤٢٧م) «تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی)»، قم: ذوی القربی، لاطا.
- الطبری، ابی جعفرمحمدبن جریر (١٩٦٧م) «تاریخ الامم و الملوك»، تحقیق؛ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ط ٢.
- العباسی، عبدالرحیم بن احمد (١٩٤٧م) «معاهد التنصیص علی شواهد التلخیص»، تحقیق؛ محی الدین عبدالحمید، بیروت: عالم الکتب، لاطا.
- عدی بن زید (١٩٦٥م) «الدیوان»، تحقیق؛ محمد جبار المعید، بغداد: دارالجمهوریة، لاطا.
- الفرطوسی، عبدالهادی (٢٠٠٦م) «المبنى الحكائى فى القصيدة الجاهلیة» بغداد: دارالشوون الثقافیة العامة، لاطا.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین مسعودی (١٩٦٧م) «مروج الذهب و معادن الجواهر»، ایران: دار الهجرة، لاطا.
- المعری، ابی العلاء (لاتا) «رسالة الغفران»، تحقیق؛ عائشة عبد الرحمن، القاهرة: دارالمعارف، ط ٨.
- الهاشمی، محمدعلی (١٩٦٨م) «عدی بن زید الشاعر المبتکر»، حلب: نشر و توزیع المكتبة العربیة، ط ١.
- یوسف شکری فرحات (لاتا) «دیوان المروءة و الوفا»، بیروت: دار الجیل، لاطا.
- ب) مجله‌ها**
- ابوعیاد، نزهة (٢٠٠٦م) «الشعر فی بلاط نعمان بن منذر»، مجلة مجمع اللغة العربیة، مجلد ٨١، جزء ٢، ص ٣٠-١.
- طهرانی، نادر نظام (١٣٨٨ش)، «عدی بن زید العبادی شاعر الحکمة فی الجاهلیة»، مجلة التراث الادبی، السنة الثانیة، العدد الخامس، ص ١٦٩-١٧٥.
- مصطفی، سعدالدین (٢٠٠٦م) «اقتراض العربیة من الفارسیة الشاعر عدی بن زید العبادی نموذجاً» مجلة مجمع اللغة العربیة، مجلد ٨١، جزء ١، ص ١٠١-١١٥.

ملاحح الابداع في شعر عدي بن زيد العبادي

احمد باشا زانوس^١، نرجس رمضانخاني^٢

الملخص

كان عدي بن زيد العبادي من الشعراء المسيحيين في العصر الجاهلي. إنه يُعدّ من كتّاب البلاط الساساني و سفرائه، وكان يتقن اللغة الفارسية و العربية في أوان شبابه. لم ينشد الشاعر أشعارا في أغراض الشعر الجاهلي و لا يوجد من المدح و لا الرثاء شئ في ديوانه و لا نرى الفخر و المهجاء فيه إلاّ في أبيات قليلة. هو جعل الخمر كفن مستقل و يتبعه في هذا المجال شعراء آخرون مثل الأعشى، و الأخطل. وقد سبق عدي الشعراء الآخرين في الشعر القصصي و الإعتذاريات. يُعدّ عدي من الشعراء المبدعين لإبداعه في أغراض القصائد الجاهلية ، وشكلها و مضمونها. وفي كثير من قصائده نرى لمعاني جديدة و بعيدة عن التقليد، نحاول في هذا المقال أن نعالج إبداع الشاعر في الأغراض و الشكل و المعاني.

المفردات الرئيسية: عدي بن زيد، الإبداع، الشعر القصصي، الإعتذاريات، الخمر، الحكمة.

1. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة الامام الخميني (ره) الدولية - قزوين

2. ماجستير في اللغة العربية و آدابها بجامعة الامام الخميني (ره) الدولية - قزوين